

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران

علی اصغر قلندری^۱، محمد محمدی^{۲*}، محمدرضا ربیعی مندجین^۳

چکیده

زمینه و هدف: در دهه های اخیر، افزایش پیچیدگی های محیط اجتماعی و ضرورت ارتقای کارآمدی و مشروعیت سیاست های عمومی، موجب شده است که مشارکت شهروندان به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی مشارکتی مورد توجه قرار گیرد. این پژوهش با هدف طراحی و ارائه الگوی مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی انجام شد.

روش شناسی / رهیافت: در مرحله کیفی، داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۷ نفر از خبرگان علمی و اجرایی شامل مدیران ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شهرداری تهران و اعضای هیئت علمی رشته های مدیریت، جامعه شناسی و سیاست گذاری عمومی گردآوری شد. در مرحله کمی، بر اساس یافته های بخش کیفی، پرسشنامه ای با ۶۱ گویه طراحی و بین ۳۲۲ نفر از مدیران عالی، ارشد و میانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و شهرداری تهران توزیع شد. روش نمونه گیری در این بخش تصادفی طبقه ای و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید. داده های گردآوری شده با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری در نرم افزار "SmartPLS3" مورد تحلیل قرار گرفت تا روابط بین ابعاد استخراج شده آزمون شود.

یافته ها و نتیجه گیری: نتایج تحلیل کمی نشان داد که آزمون مدل معادلات ساختاری (PLS-SEM) نه تنها معناداری روابط فرضی را تأیید کرد، بلکه الگوی نظام مند، سلسله مراتبی و پویایی از تعاملات را آشکار ساخت که درک ما از مکانیسم عمل مشارکت در ایران را متحول می سازد. برخلاف مدل های خطی ساده، روابط کشف شده در این پژوهش نشان می دهد مشارکت در حکمرانی ایرانی، یک سیستم چرخه ای با حلقه های بازخورد فعال است. روابط در قالب پنج گزاره کلیدی تفسیر و تبیین می شوند. اصل تخصیص تأثیر شامل لایه بندی هوشمند عوامل در مراحل خط مشی اصل توالی و انسجام شامل زنجیره اثرگذاری مراحل خط مشی اصل محوریت عمل شامل نقش تعیین کننده اجرا در تحقق پیامدها اصل یادگیری و بازخورد شامل گذار از خطی بودن به چرخه پویا اصل بهبود مستمر: از ارزیابی گذشته به راهبرد آینده

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت شهروندان، خط مشی گذاری عمومی

۱ گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

۲* گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران. (نویسنده مسئول) mo.mohammadi@iauctb.ac.ir

۳ گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران | ۱۰۴

مقدمه

همکاری اقتصادی و توسعه، (۱۳۹۹). تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که مشارکت مؤثر و نظام مند شهروندان نه تنها به افزایش مشروعیت و مقبولیت سیاست ها کمک می کند، بلکه کیفیت تصمیم گیری ها و اثربخشی آن ها را در حل مسائل عمومی بهبود می بخشد (Bovaird & Löffler, 2012)

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل چگونگی مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی و ارائه راهکارهایی برای بهینه سازی این مشارکت در قالب ارائه الگوی مشارکت شهروندان است. فرض بر این است که وقتی شهروندان به طور مستقیم در تدوین سیاست ها مشارکت داشته باشند، به دلیل آگاهی از مسائل واقعی جامعه، امکان اتخاذ تصمیم ها دقیق تر و مؤثرتر فراهم می شود. این امر می تواند پیامدهای مثبتی نظیر کاهش جرم و جنایت، افزایش کیفیت محصول های تولیدی، بهبود فعالیت های بازرگانی و خدماتی و در نهایت تحقق توسعه پایدار را به دنبال داشته باشد.

شواهد بین المللی نشان می دهد که مشارکت ساختاریافته شهروندان:

اثربخشی خط مشی ها را تا ۴۰٪ افزایش می دهد (Bovaird, T., & Loeffler, E. (2012) هزینه اجرا را تا ۲۵٪ کاهش می دهد (بانک جهانی، ۱۴۰۱)

مشروعیت سیاست ها را به طور میانگین ۳،۵ برابر می کند (OECD، ۱۴۰۲)

در ایران، با وجود تأکیدها قانون اساسی (اصل ۷، ۱۰۴) و اسناد بالادستی چون سیاست های کلی نظام (بند ۸ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی)، شکاف عمیقی بین نظریه و عمل مشاهده می شود. براساس داده های مرکز آمار ایران (۱۴۰۲):

جدول (۱). شکاف نظریه و عمل

وضعیت	شاخص
۱۸،۷٪	مشارکت در تدوین خط مشی های استانی
۲۹،۳٪	میزان بهره گیری از ظرفیت سازمان های مردم نهاد
۱۲،۶٪	ضریب نفوذ مشاوره های الکترونیک

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به پرسش «الگوی مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران کدام است؟» به دنبال ارائه چارچوبی است که بتواند با شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت (از جمله موانع ساختاری، فرهنگی و نهادی)، راهکارهایی اجرایی برای تقویت تعامل میان دولت و شهروندان پیشنهاد دهد. این الگو نه تنها به بهبود کیفیت تصمیم گیری و افزایش کارایی خط مشی های عمومی کمک خواهد کرد، بلکه می تواند اعتماد عمومی را تقویت کرده و به توسعه پایدار منجر شود.

بنابراین مهمترین مساله مدنظر این پژوهش اینست که تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران چگونه است؟

تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و فناورانه در جهان معاصر، الگوهای سنتی حکمرانی و تصمیم گیری عمومی را با چالش های عمیق مواجه ساخته است. در چنین فضایی، دولت ها دیگر نمی توانند به عنوان بازیگران یگانه و مطلق در فرآیند خط مشی گذاری عمل کنند، بلکه ناگزیر از بهره گیری از خرد جمعی، ظرفیت های اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان در تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست های عمومی هستند. از این منظر، مشارکت شهروندان نه صرفاً یک اقدام نمادین، بلکه ضرورتی بنیادین برای تحقق حکمرانی مطلوب، شفافیت، پاسخ گویی و عدالت اجتماعی محسوب می شود (Sudirjo, 2023). در دهه های اخیر، رویکرد حکمرانی مشارکتی به عنوان پارادایم غالب در مدیریت عمومی مطرح شده است. این رویکرد بر آن است که تصمیمات عمومی، زمانی از مشروعیت، کارایی و پایداری بیشتری برخوردارند که در نتیجه تعامل و گفت و گوی میان دولت و جامعه مدنی شکل گرفته باشند. مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی، ضمن افزایش کیفیت تصمیمات، موجب ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش حس تعلق و اعتماد عمومی، و نیز کاهش تعارضات اجتماعی می شود (Yang, L., & Lin, J., 2024)

خط مشی گذاری عمومی یکی از مهم ترین و پیچیده ترین فرآیندهای حکمرانی در جوامع امروزی به شمار می رود که هدف آن ارائه راه حل هایی کارآمد برای مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (Peters, 2018). در دنیای کنونی، دولت ها به تنهایی قادر به مواجهه با چالش های چندوجهی و فزاینده جوامع نیستند و نیازمند مشارکت فعال سایر کنشگران، به ویژه شهروندان، در فرآیندهای تصمیم سازی و سیاست گذاری هستند (سازمان

مبانی نظری

مفهوم مشارکت شهروندان

به فرآیند مشارکت فعال افراد در تصمیم‌گیری‌های عمومی، به‌ویژه در مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی اشاره دارد. این مفهوم شامل فعالیت‌هایی نظیر شرکت در جلسات عمومی، ارائه نظرات در پلتفرم‌های دیجیتال، و همکاری در برنامه‌ریزی‌های محلی است. ابعاد کلیدی مشارکت شهروندان شامل بسترهای نهادی (مانند قوانین و ساختارهای حکومتی)، عوامل راهبردی (مانند انگیزه‌های فردی)، و فرآیندهای تعاملی (مانند گفت‌وگوهای عمومی) است. مشارکت شهروندان نه تنها به افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی و مشروعیت سیاسی را نیز تقویت می‌نماید (Danishfard, 2022; K, 2022). در ایران، مشارکت شهروندان به دلیل موانع نهادی و فرهنگی با چالش‌هایی مواجه است، اما استفاده از ابزارهای دیجیتال می‌تواند این فرآیند را تسهیل کند (Akbari, A., & Hassanzadeh, M., 2023).

جدول (۲) شاخص حکمرانی مشارکتی (OECD, 2022)؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲

شاخص	استاندارد OECD	وضعیت ایران ۱۴۰۲
دسترسی به اطلاعات	٪۹۰	٪۳۵
مشاوره عمومی	۴ بار در سال	۰٫۷ بار در سال
پلتفرم‌های دیجیتال	۹۵ درصد شهرداری‌ها	۲۸ درصد شهرداری‌ها

انواع مشارکت شهروندان

مشارکت اقتصادی به معنای حضور و همکاری آگاهانه اقشار مردم در جهت تولید، پس انداز و سرمایه‌گذاری بیش‌تر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه‌تر و مصرف بهینه منابع طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب است. مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده است که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی است (Rizi & Seno, 2022). مشارکت سیاسی مشارکت در فرآیند قدرت و انتخاب مسئولان و مداخله در امر تصمیم‌گیری در نظام سیاسی است. به عبارت دیگر، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری است (Leino, H., & Puumala, E, 2021).

نظریه‌های کلان مشارکت

الف) نردبان مشارکت شهروندی

- مفروضه محوری: مشارکت طیفی ۸ مرحله‌ای از "دستکاری" تا "کنترل شهروندی" است .
- مؤلفه‌های کلیدی :

- سطوح غیرمشارکتی (اطلاع‌رسانی یک‌سویه، مشاوره نمایشی)

- سطوح نیمه‌مشارکتی (تسکین خشم، شراکت نمادین)

- سطوح قدرت‌بخش (شراکت واقعی، تفویض اختیار، کنترل شهروندی) (Gil, O., Cortés-Cediel, M. E., & Cantador, I, 2022).

ب) حکمرانی مشارکتی

- مفروضه محوری: شفافیت، پاسخگویی و ظرفیت‌سازی دیجیتال پیش‌شرط‌های مشارکت مؤثرند .
- شاخص‌های عملیاتی :

مشارکت فرهنگی به معنای شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه‌جانبه زندگی فرهنگی است.

خط مشی گذاری عمومی

اجزای خط مشی عمومی

هدف : به عنوان مثال حل مشکل عمومی

محتوا: طریقی است که ما را به هدف می‌رساند مثلاً کاهش عوارض گمرکی

اثر: نتیجه اجرای خط مشی (Viquerat, J., DuVigneau, R., Meliga, P., Kuhnle, A., & Hachem, E, 2023)

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد مؤثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران | ۱۰۶

انواع طبقه بندی خط مشی

- ۱- براساس قوای سه گانه هیئت حاکمه: خط مشی های قضایی، خط مشی های اجرایی و خط مشی های تقنینی
- ۲- فراگیر، هادی و عمومی
- ۳- انضباطی، توزیعی و توزیعی مجدد

مشارکت عمومی در سیاست گذاری های دولتی

مردم، درجه ای از نفوذ یا قدرت را به مردم می دهند. فراتر از آنچه که مردم در صورت عدم جست جوی نظرات آن ها خواهند داشت. شری آرنشتاین در مقاله تاثیرگذار خود با عنوان " نردبان مشارکت شهروندان " روش های مختلفی را در نظر می گیرد که در آن دولت ها به مردم اجازه می دهند در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت کنند و درجات مختلف قدرتی که از طریق این روش های مختلف به مردم ارائه می شود. چارچوب او جایی که مشاوره های سیاستی دولت در سلسله مراتب از شهروندان قرار می گیرد زمینه سازی می کند. Toggen, S., Fischer, M., & Leong, C. (2022)

مشاوره های سیاستی دولت ابزاری را برای مشارکت عمومی در سیاست گذاری فراهم می کند. دولت ها با جستجوی دیدگاه های

جدول (۳) نردبان مشارکت شهروندی (ارنشتاین، ۱۹۹۶)

ردیف	سطوح مشارکت	مرحله	پله های مشارکت	نردبان مشارکت
	سطح عدم مشارکت	1	دستکاری و عوام فریبی	نردبان مشارکت
		2	درمان	
	سطح مساوات طلبی (مشارکت جزئی)	3	اطلاع رسانی	
		4	مشاوره	
		5	تسکین بخشیدن	
	سطح قدرت (اقتدار) شهروندی	6	شراکت	
		7	قدرت تفویض شده	
		8	اختیار شهروندان	

فرآیند خط مشی گذاری عمومی

پیشینه داخلی

در پژوهش ترکیبی "سنجش تأثیر آموزش های مدنی بر مشارکت سیاستی" که با مشارکت ۸۰۰ شهروند در ۵ استان مرزی انجام شد، محققان دریافتند اجرای دوره های آموزشی ۶ هفته ای "مهارت های تحلیل خط مشی" موجب افزایش ۴۵٪ مشارکت فعال در جلسات شورای شهر و ۳۰٪ ارسال پیشنهادهای مکتوب به نهادهای دولتی شده است. این مطالعه تأکید می کند که آگاهی از فرآیندهای حکمرانی، مهم ترین پیش نیاز مشارکت مؤثر است (Rezai, R., Mohammadi, A., & Tabatabai, S. (2024))

در (Ashrafi, M., Noroozi, B., & Mirzaei, R. (2024)) پژوهشی به الگوی اجرای خط مشی عمومی مبتنی بر ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی در دانشگاه های علوم پزشکی پرداختند. یافته های پژوهش، ۶ مقوله را به عنوان عوامل علی، پدیده محوری، راهبردی، عوامل مداخله گر و عوامل زمینه ساز مشارکتو پیامدهای حاصل از اجرای خط مشی مبتنی بر مسئولیت پذیری اجتماعی در دانشگاه علوم پزشکی معرفی نمود.

در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی با تأکید بر مدل های بومی»، رضایی و همکاران داده های گردآوری شده از ۴۲۰ شهروند و مدیر در سه شهر بزرگ ایران (تهران، مشهد، اصفهان) را طی

شناخت و درک مسئله عمومی: در این مرحله عوامل مؤثر بر جامعه مانند مدیران، سیاست مداران و متخصصان و یا گروه هایی از مردم ... مشکل یا مسئله ای را متذکر می شوند. دستور کار: زمانی که مسئله و یا مشکل شناخته شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت در این زمان است که واکنش سازمان های عمومی مرتبط به موضوع را به همراه خواهد داشت. طراحی و شکل گیری: در این مرحله افکار عمومی جامعه و نخبگان در باره مسئله و یا مشکل به بحث و گفتگو و تبادل نظر می پردازند

اجرای خط مشی: بعد از قانونی شدن خط مشی اجرای خط مشی شروع می شود. خط مشی گذار در مراحل قبلی خط مشی های مرتبط و سازگار حمایتی از مجریان را به تصویب رسانده است. ارزیابی خط مشی: همزمان با اجرای خط مشی اطلاعات لازم در مورد چگونگی به کار گیری خط مشی و توان آن در جهت رفع مشکل دریافت می شود.

اصلاح، خاتمه و یا تغییر خط مشی: پس از دریافت بازخورد و ارزیابی خط مشی می توان درباره نقاط قوت و ضعف صحبت کرد.

پیشینه پژوهش

یک مطالعه ترکیبی در سال ۱۴۰۲ تحلیل کردند. این پژوهش از مصاحبه‌های کیفی و پرسشنامه برای شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت استفاده کرد. یافته‌ها نشان داد که استفاده از سازوکارهای محلی مانند شوراهای محله و نهادهای مذهبی، نرخ مشارکت شهروندان را تا ۵۲٪ افزایش داده و اعتماد به نهادهای محلی را ۴۵٪ بهبود بخشیده است. این مطالعه بر اهمیت بومی‌سازی در غلبه بر موانع نهادی تأکید (Rezai, R., Mohammadi, A., & Tabatabai, S. (2024)).

(Nouri, N., & Hosseini, H. (2024)) در پژوهشی به آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی‌های زیست بوم نوآوری و فناوری در راستای توسعه سرمایه گذاری‌های استانی پرداختند. از نتایج تحقیق حاضر می‌توان به نقش مهم حکمرانی سالم در ایجاد اشکال نوآورانه و جدید اقدام جمعی با هدف حل مسائل پیچیده خط‌مشی عمومی، کمک به دانش عمومی، ارائه خدمات عمومی مؤثر، توسعه پایدار، شهروندمحوری و... اشاره کرد که به‌عنوان مجموعه‌ای از نتایج هستند که از تکامل حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی گذاری عمومی حاصل می‌شوند.

(Madani, M., Davari, A., & Karimi, S. (2024)) در پژوهشی به بررسی تکامل حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی: رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد پرداختند. یافته‌های تحقیق موانع اجرای خط‌مشی‌های زیست بوم نوآوری و فناوری را نشان دادند که عبارتند از: ماهیت خط‌مشی‌گذاری، موانع مشارکتی، مجریان ناکارآمد، موانع محیطی، موانع پشتیبانی و پیاده سازی، ضعف در ارزیابی و نظارت، موانع سازمانی.

در پژوهشی با عنوان «سناریوهای آینده مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری ایران با رویکرد فرهنگی-دینی»، شفیع‌ی داده‌های گردآوری‌شده از ۲۸۰ شهروند و ۴۵ خبره در شهرهای مذهبی ایران (قم، مشهد) را در سال ۱۴۰۳ تحلیل کرد. این مطالعه با استفاده از روش سناریوسازی و مصاحبه‌های عمیق نشان داد که بهره‌گیری از آیین‌های مذهبی و نهادهای دینی مانند مساجد، مشارکت شهروندان در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری را تا ۵۵٪ افزایش داده و حس تعلق اجتماعی را ۴۲٪ تقویت کرده است. این پژوهش بر نقش فرهنگ دینی در پایداری مشارکت تأکید دارد و با بعد «زمینه‌های فرهنگی-دینی» مدل پیشنهادی این پژوهش هم‌راستا است (Shafiei, S. (2024)).

(Mohammadi & Danaifard (2020)) در پژوهشی به ارائه الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران با رویکرد نهادی پرداختند. این پژوهش با استفاده از روش کیفی موردکاوی و پس از ۲۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سیاست‌گذاران «مدیران

سازمان ها و شرکت‌ها» انجمن ها و سرمایه گذاران به ارائه مدل توسعه مشارکتی و با رویکرد نهادی در ایران پرداخته است. در تحقیقی که توسط (Ramazanpour, A. (2020)) تحت عنوان ارائه الگوی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در فرآیند تدوین خط مشی های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته با هدف ارتقاء عقلانیت خط مشی گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق مشارکت نخبگان در تدوین خط مشی های عمومی صورت گرفته است.

پیشینه خارجی

در مطالعه‌ای جامع با عنوان «کاوش مرزهای جدید مشارکت شهروندان در چرخه سیاست‌گذاری»، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) برنامه‌ای یک‌ساله را در ۱۲ کشور عضو اجرا کرد که طی آن پلتفرم‌های دیجیتال ترکیبی (حضور-آنلاین) برای جلب مشارکت شهروندان در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری عمومی آزمایش شدند. این برنامه شامل کارگاه‌های مجازی و حضوری بود که شهروندان در آن‌ها به‌عنوان مشاور در مراحل شناسایی مسئله و تدوین سیاست مشارکت داشتند. نتایج نشان داد که استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال ترکیبی نرخ مشارکت شهروندان را تا ۶۵٪ افزایش داده و شاخص اعتماد به نهادهای عمومی را در مقایسه با روش‌های سنتی ۴۲٪ بهبود بخشیده است. این مطالعه بر اهمیت تلفیق فناوری‌های دیجیتال با سازوکارهای محلی برای غلبه بر موانع مشارکت تأکید دارد (OECD, ۲۰۲۵).

یونسکو در گزارش جامع "مشارکت فرهنگی در خط‌مشی‌گذاری شهری" با بررسی ۵۰ کلانشهر جهان از جمله استانبول، کوالالامپور و لیما، مکانیزم نوینی را تحلیل کرد که در آن شوراهای متشکل از هنرمندان، نویسندگان و فعالان فرهنگی محلی، مسئولیت طراحی و نظارت بر پروژه‌های شهری را بر عهده می‌گیرند. این مطالعه نشان داد اختصاص حداقل ۱۰٪ از بودجه شهری به پیشنهاد‌های این شوراهای نه تنها رضایت شهروندی را ۳۵٪ افزایش داده، بلکه موجب خلق فضاهای عمومی خلاقانه‌ای شده که خود به کانون‌های طبیعی مشارکت تبدیل گشته‌اند. نکته کلیدی این پژوهش آن است که سرمایه‌های فرهنگی غیررسمی می‌توانند زمانی که به رسمیت شناخته شوند، به مؤثرترین اهرم‌های جلب مشارکت مردمی تبدیل گردند (Yonesco, ۲۰۲۴).

پژوهش تطبیقی فونتانا و چن تحت عنوان "الگوهای مشارکت در جوامع پس‌انقلابی" با تمرکز بر مصر و تونس، به مدت ۱۸ ماه و با

روش ترکیبی (مشاهده میدانی، مصاحبه با ۱۲۰ فعال مدنی و تحلیل اسناد) انجام شد. یافته‌های کلیدی حاکی از آن بود که ایجاد "خانه‌های گفت‌وگو" در مناطق حاشیه‌نشین که در آن رهبران محلی آموزش‌دیده به تسهیل گفتمان‌های سیاستی می‌پردازند، توانسته است تنش‌های ناشی از خط‌مشی‌گذاری‌های دولتی را تا ۴۰٪ کاهش دهد. این مطالعه به‌طور خاص اثبات کرد که ترکیب نهادهای سنتی محله‌ای با تکنیک‌های مدرن میانجی‌گری، برای جوامعی که در حال گذار سیاسی هستند، راهکاری پایدار محسوب می‌شود. Fontana, G., & Chen, Y. (2024)

در مطالعه‌ای تجربی با عنوان «تحلیل نظام مند ابزارهای دیجیتال برای مشارکت شهروندان»، کوزمانوویچ و همکاران داده‌های گردآوری‌شده از ۸۵۰۰ کاربر پلتفرم‌های دیجیتال در ۷ کشور اروپایی را طی سال ۲۰۲۳ تحلیل کردند. این پژوهش از روش‌های ترکیبی (مصاحبه‌های عمیق و تحلیل داده‌های کاربری) برای بررسی اثربخشی ابزارهای دیجیتال پساکرونا در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری استفاده کرد. یافته‌ها نشان داد که پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های بزرگ، نرخ مشارکت شهروندان در مراحل ارزیابی سیاست‌ها را تا ۷۰٪ افزایش داده و زمان پاسخگویی به بازخوردهای مردمی را ۵۵٪ کاهش داده است. Kuzmanovic, M., Jovanovic, D., & Pavlovic, B. (2024)

در پژوهشی نظری و میدانی با عنوان «مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری: مروری بر نظریه‌ها و عملکردها پس از همه‌گیری»، کوویک و برایسون داده‌های گردآوری‌شده از ۴۵۰۰ شهروند در شهرهای انگلستان و ایالات متحده را طی یک برنامه مشارکتی ۹ ماهه بررسی کردند. این برنامه شامل جلسات مجازی و حضوری برای تدوین سیاست‌های محلی بود. نتایج نشان داد که تقویت شفافیت نهادی و استفاده از فناوری‌های تعاملی، اعتماد شهروندان به فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری را تا ۴۸٪ افزایش داده و نرخ مشارکت فعال را از ۲۰٪ به ۶۳٪ رسانده است. این مطالعه بر نقش عوامل روان‌شناختی مانند اعتماد و تاب‌آوری در پایداری مشارکت تأکید دارد. Quick, K. S., & Bryson, J. M. (2024)

سؤال‌های پژوهش

ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی کدامند؟

روابط بین ابعاد، مولفه‌ها و شاخصهای مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش، از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است. روش تحقیق ترکیبی و طرح تحقیق نیز از نوع طرح تحقیق آمیخته اکتشافی (کیفی- کمی) است. در طرح‌های آمیخته اکتشافی، پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره موقعیت‌های نامعین می‌باشد، به همین منظور ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد، سپس، داده‌های کمی جمع‌آوری می‌گردد. به‌طور خلاصه، کل فرآیند تحقیق شامل دو مرحله است: نخست، انجام تحقیق کیفی از نوع تحلیل مضمون مبتنی بر روش براون و کلارک (با استفاده از ابزاری مانند مطالعه مقالات، اسناد و مدارک و مصاحبه) و دوم، تحقیق کمی از نوع توصیفی-تحلیلی (با استفاده از ابزار پرسشنامه طراحی شده در بخش کیفی (مرحله نخست)) این طرح شامل دو فاز اصلی زیر است:

مرحله کیفی

تحلیل مضمون براساس رویکرد براون و کلارک با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل اسناد علمی؛ خروجی این مرحله شامل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مفهومی مدل مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

مرحله کمی

تدوین پرسشنامه ۶۱ گویه‌ای براساس یافته‌های کیفی و آزمون مدل مفهومی با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل آماری (مدل‌سازی معادلات ساختاری).

بنابراین طرح پژوهش شامل دو فاز اصلی است:

توسعه مدل مفهومی (کیفی) و آزمون مدل (کمی).

روش‌ها و ابزار گردآوری داده‌ها

جامعه آماری در بخش کیفی شامل خبرگان علمی اجرایی منتخب شامل مدیران ارشد وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیران ارشد شهرداری و اساتید هیئت علمی در رشته‌های مدیریت، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌باشد.

در بخش کمی جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۹۸۷ نفر از مدیران شاغل در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و شهرداری تهران بود. این افراد در سه سطح سازمانی شامل مدیران عالی (تصمیم‌گیران کلان)، مدیران ارشد (مسئولان اجرایی و نظارتی) و مدیران میانی (هماهنگ‌کنندگان عملیاتی) فعالیت می‌کنند.

انتخاب این جامعه به دلیل نقش محوری این نهادها در تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و تأثیرگذاری آن‌ها بر مشارکت شهروندی بود.

روش نمونه‌گیری در بخش کیفی بصورت هدفمند و غنی‌سازی شده اجرا شد و با توجه به هدف این فاز که «اکتشاف و توصیف عمیق دیدگاه‌ها و تجربیات مدیران گروه و اعضای هیأت‌علمی در حوزه مدیریت و سیاست گذاری و خط مشی گذاری است، تعداد مصاحبه‌ها بر «تنوع علمی» و «پیشینه‌ی مدیریتی»، عواملی مانند «دسترسی عملی» و «تمایل شرکت‌کنندگان» نیز در تعیین تعداد نهایی (۱۷ نفر) مدنظر قرار گرفت. جدول (۴)، مسئولیت‌های مصاحبه‌شوندگان در بخش کیفی را نشان می‌دهد:

جدول (۴) مسئولیت‌ها و نقش کلیدی مصاحبه‌شوندگان در فاز کیفی

نقش کلیدی	تعداد	گروه مشارکت‌کنندگان
تحلیل موانع حقوقی مشارکت شهروندی در سطح ملی	۱ نفر	نماینده ادوار مجلس
ارائه چارچوب نظری و الگوهای بین‌المللی مشارکت	۵ نفر	اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها
شناسایی چالش‌های اجرایی و پیشنهاد سازوکارهای عملیاتی	۶ نفر	مدیران عالی وزارت تعاون/کار
انتقال تجربیات پروژه‌های مشارکتی شهری و خط‌مشی‌گذاری محلی	۵ نفر	مدیران ارشد شهرداری تهران

مرحله کمی پژوهش با هدف آزمون روابط ساختاری بین ابعاد الگوی مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌گذاری عمومی طراحی شد. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران برای جمعیت‌های محدود استفاده شد که یکی از روش‌های استاندارد و معتبر در علوم اجتماعی است. همچنین، روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر اساس پست سازمانی به کار گرفته شد بنابراین، حجم نمونه مورد نیاز با روش نمونه‌گیری تصادفی بر اساس پست سازمانی ۳۲۲ نفر است.

در این مرحله، دو کدگذار مستقل (پژوهشگر و یک متخصص روش‌شناسی کیفی) چهار مصاحبه را به‌صورت جداگانه کدگذاری کردند. مقایسه نتایج نشان داد که از مجموع ۷۳ کد استخراج‌شده، ۶۸ کد مشترک بین دو کدگذار وجود داشته است. بدین ترتیب، درصد توافق (P_o) برابر با ۹۳٪ محاسبه شد.

بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت مضامین شناسایی‌شده در بخش کیفی از پایایی آماری و روایی تفسیری مطلوبی برخوردارند.

بررسی اعتبار پژوهش

به‌منظور اطمینان از روایی ابزار گردآوری داده‌های کیفی (راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته)، از رویکرد ارزیابی محتوایی با اتکا بر نظر خبرگان علمی و اجرایی استفاده شد.

در گام نخست، پیش‌نویس راهنمای مصاحبه توسط هشت نفر از متخصصان و خبرگان دانشگاهی در حوزه‌های مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی (۵ نفر) و جامعه‌شناسی سیاسی (۳ نفر) مورد بازبینی قرار گرفت. خبرگان، پرسش‌های مصاحبه را از نظر

جدول (۵) توافق‌ها

ردیف	مصاحبه	کل کدها	توافقات	P_o	P_e	κ
۱	۲#	۱۸	۱۷	۰٫۹۴	۰٫۵	۰٫۸۸
۲	۵#	۲۰	۱۸	۰٫۹	۰٫۵۲	۰٫۷۹

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران | ۱۱۰

۰,۷۴	۰,۵۳	۰,۸۸	۱۵	۱۷	۸#	۳
۱	۰,۵۱	۱	۱۸	۱۸	۱۲#	۴
۰,۸۷	۰,۵۲	۰,۹۳	۶۸	۷۳		جمع

عاملی سازه‌ها بین (۰,۷۶ تا ۰,۸۳)، شاخص AVE بین (۰,۵۸ تا ۰,۶۷)، پایایی ترکیبی (CR) بین (۰,۸۷ تا ۰,۹۳)، و آلفای کرونباخ (α) بین ۰,۸۶ تا ۰,۹۱، به دست آمد روایی واگرا با مقایسه مقادیر MSV و ASV نسبت به AVE بررسی شد. نتایج نشان داد که برای تمام سازه‌ها، مقادیر MSV بین (۰,۴۳ تا ۰,۵۲)، ASV بین (۰,۳۰ تا ۰,۳۸)، AVE بین (۰,۶۷ تا ۰,۷۶) است که تأییدکننده تمایز مفهومی سازه‌ها از یکدیگر است. برای بررسی پایایی درونی سازه‌های مدل از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان داد که تمامی سازه‌ها دارای $\alpha \geq 0.70$ هستند که حاکی از انسجام درونی مطلوب گویه‌هاست مقادیر CR نیز برای همه سازه‌ها بالاتر از ۰,۷۰ بود و نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای پرسشنامه است.

برای سنجش روایی ابزار کمی، از روایی صوری، محتوایی و سازه‌ای استفاده شد. در روایی صوری پیش‌نویس اولیه پرسشنامه در اختیار ۸ نفر از اساتید و خبرگان حوزه مدیریت دولتی، خط‌مشی‌گذاری عمومی و منابع انسانی قرار گرفت. روایی محتوایی با استفاده از شاخص‌های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) بررسی گردید. مقدار CVR بر اساس فرمول لاوشه (Lawshe, 1975) برای ۸ خبره محاسبه شد. حد آستانه پذیرش CVR برابر با ۰,۶۲ بود و تمامی ۶۱ گویه مقادیر بالاتر از این حد را کسب کردند. روایی سازه برای بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم‌افزار LISREL استفاده شد. تمامی بارهای عاملی (λ) بالاتر از ۰,۵۰ و در سطح ۰,۰۱ معنادار بودند. میانگین بار

جدول (۶) محاسبات آلفای کرونباخ و واریانس

سازه	تعداد گویه	میانگین بار عاملی (λ)	AVE	CR	α کرونباخ	MSV	ASV
عوامل علی	4	۰,۷۴	۰,۵۸	۰,۸۴	۰,۸۰	۰,۴۱	۰,۲۹
عوامل زمینه‌ای	3	۰,۷۸	۰,۶۱	۰,۸۶	۰,۸۱	۰,۳۹	۰,۲۸
بستر نهادی	5	۰,۸۱	۰,۶۴	۰,۹۰	۰,۸۸	۰,۴۴	۰,۳۱
اثرات تحریم‌ها	4	۰,۷۹	۰,۶۰	۰,۸۸	۰,۸۶	۰,۴۲	۰,۳۰
فرآیندهای تعاملی	5	۰,۸۲	۰,۶۶	۰,۹۱	۰,۹۰	۰,۴۷	۰,۳۳
عوامل مداخله‌ای	4	۰,۷۷	۰,۵۹	۰,۸۸	۰,۸۶	۰,۳۸	۰,۲۷
عوامل فرهنگی-دینی	5	۰,۷۵	۰,۵۷	۰,۸۶	۰,۸۴	۰,۳۶	۰,۲۶
عوامل روان‌شناختی	5	۰,۷۸	۰,۶۰	۰,۸۸	۰,۸۷	۰,۴۰	۰,۲۹
تدوین خط‌مشی	5	۰,۸۰	۰,۶۳	۰,۹۰	۰,۸۸	۰,۴۳	۰,۳۱
اجرای خط‌مشی	5	۰,۸۱	۰,۶۴	۰,۹۱	۰,۸۹	۰,۴۵	۰,۳۳
ارزیابی خط‌مشی	5	۰,۸۳	۰,۶۷	۰,۹۲	۰,۹۰	۰,۴۶	۰,۳۴
پیامدهای مشارکت	3	۰,۷۶	۰,۵۸	۰,۸۶	۰,۸۲	۰,۴۱	۰,۳۰
راهبردهای بهبود خط‌مشی	4	۰,۸۲	۰,۶۶	۰,۹۱	۰,۸۹	۰,۴۴	۰,۳۲

یافته‌های پژوهش

مرحله اول و دوم (آشنایی با داده‌ها و ایجاد کدهای اولیه)

در فرایند تحلیل مضمون گاهی خود محقق به جمع‌آوری داده‌ها در این مرحله نهایی، هر یک از سازه‌ها و مؤلفه‌های مدل نهایی به می‌پردازد و یا اینکه داده‌های تحقیق در اختیار محقق قرار می‌گیرد.

مرحله سوم (جستجوی مضامین)

در این تحلیل، علاوه بر سه بُعد پیش‌فرض فصل دوم (بسترهای نهادی، فرآیندهای تعاملی، عوامل روان‌شناختی-اجتماعی)، مضامین جدید کشف‌شده از ۲۱۲ کد نیز مطرح می‌شوند.

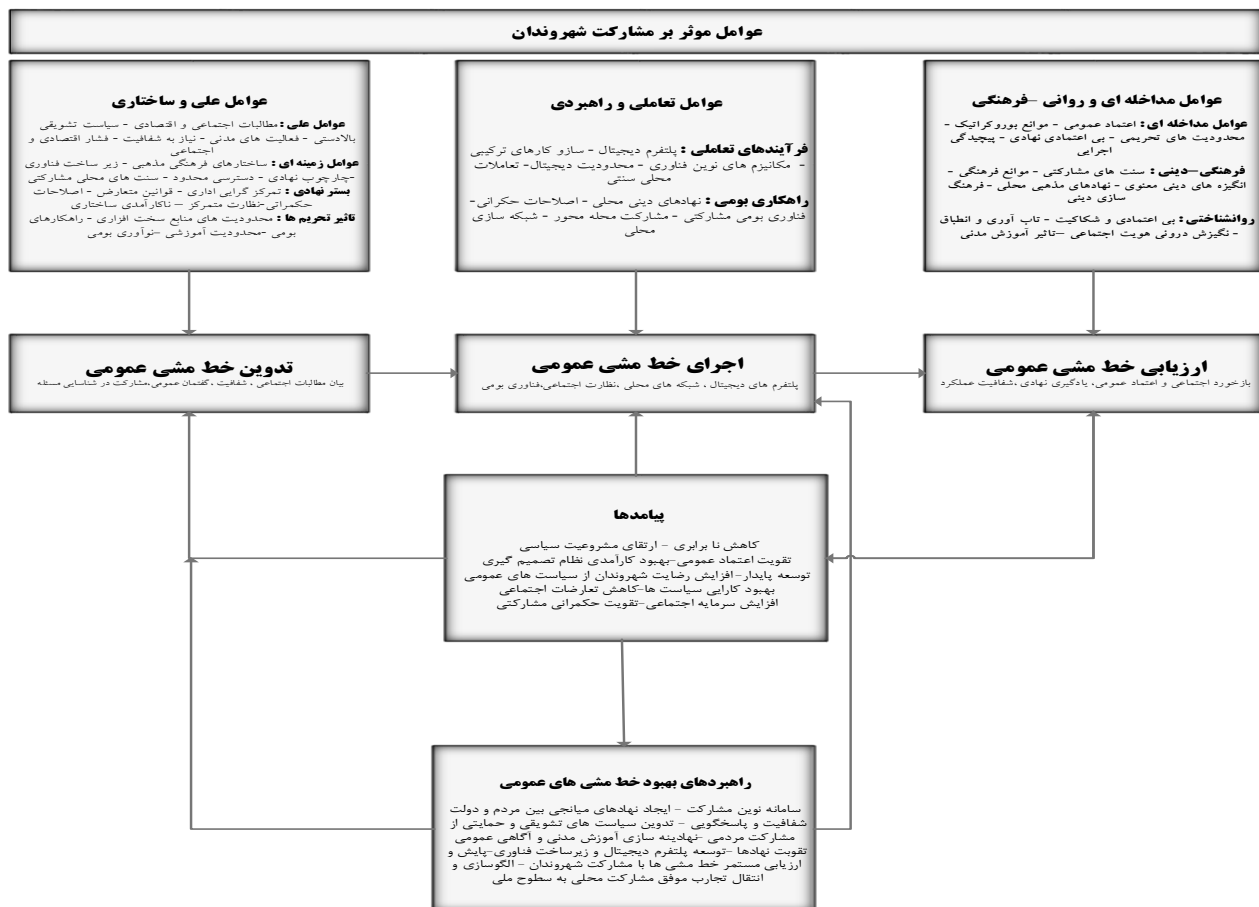
برای تحلیل و دسته‌بندی ۲۱۲ کد استخراج‌شده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، از روش تحلیل مضمون بر اساس رویکرد شش‌مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شد که روشی علمی و نظام‌مند برای شناسایی الگوها و مضامین در داده‌های کیفی است.

مرحله چهارم بازبینی و تثبیت مضامین:

در مرحله چهارم تحلیل مضمون Brown, V., & Clarke, V. (2006)، بازبینی مضامین در دو سطح انجام شد تا از انسجام درونی مضامین و تمایز بین آن‌ها اطمینان حاصل شود. این فرآیند منجر به تصحیح، ادغام و نهایتاً تثبیت چارچوب نهایی مضامین گردید.

بخش دوم (مرحله ششم) ارائه مدل کیفی نهایی: گزارش نهایی و مدل کیفی نهایی مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی:

در این مرحله، نتایج تحلیل کیفی به‌صورت یک روایت منسجم و یک مدل مفهومی نهایی ارائه شد. تحلیل مضمون (براون و کلارک، ۲۰۰۶) بر اساس ۲۱۲ کد کیفی استخراج‌شده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ خبره علمی - اجرایی انجام شد پاسخ مثبت به پرسش‌های بازبینی، منجر به تأیید نهایی ساختار مفهومی و شکل‌گیری مدل کیفی نهایی گردید. این مدل که حاصل تلفیق داده‌های میدانی با چارچوب نظری خط‌مشی‌گذاری است، در شکل "۱" ترسیم شده است.



شکل (۱) مدل نهایی مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی (حاصل از تحلیل کیفی)

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران | ۱۱۲

بررسی کفایت داده ها برای تحلیل عاملی و بارتلت (KMO) شاخص کایزر-میر-ولکین و آزمون کرویت پیش از اجرای تحلیل عاملی تأییدی، مناسب بودن داده های بارتلت بررسی شد. نتایج در جدول (۷) ارائه شده است. پژوهش (شامل ۶۱ گویه پرسشنامه) برای این تحلیل، با استفاده از جدول (۷). نتایج آزمون های KMO و بارتلت

آزمون	مقدار	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (p-value)	تفسیر
شاخص KMO	۰,۸۷۵	-	-	کفایت نمونه گیری در سطح عالی
آزمون بارتلت	$\chi^2 = 6123.74$	۱۸۳۰	$0.001 >$	ماتریس همبستگی معنادار است

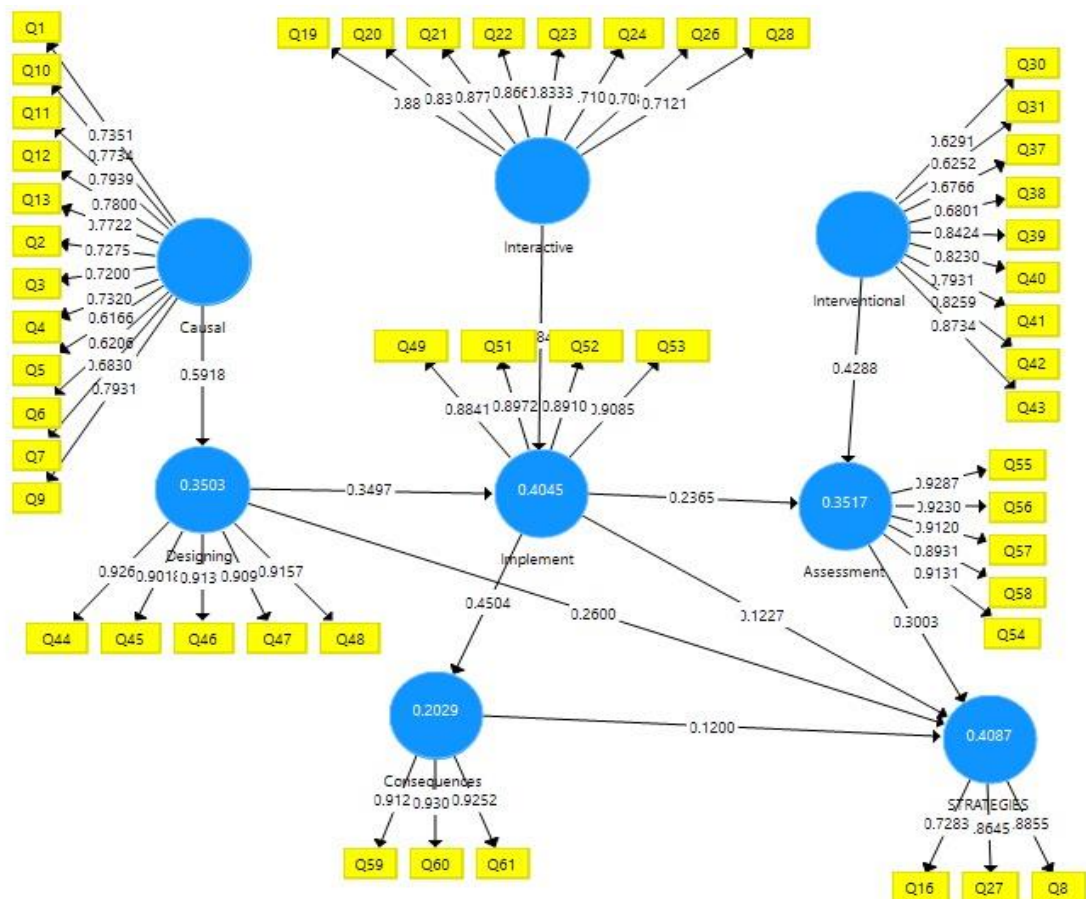
تحلیل عاملی تأییدی و ارزیابی مدل اندازه گیری
برای اعتبارسنجی ساختار مدل مشارکت شهروندان در
خط مشی گذاری عمومی، تحلیل عاملی تأییدی (CFA) با استفاده
از نرم افزار LISREL و حجم نمونه ۳۲۲ نفر (n=322) انجام
گرفت. پرسشنامه شامل ۶۱ گویه بود که بر اساس تحلیل مضمون
۲۱۲ کد کیفی (روش براون و کلارک) طراحی شد و ۸ سازه اصلی
را پوشش داد.

جدول (۸) شاخصهای برازش مدل اندازه گیری

شاخص برازش	مقدار محاسبه شده	معیار پذیرش مطلوب	وضعیت
χ^2/df	2.10	< 3.00	قابل قبول
CFI	0.95	≥ 0.90	عالی
GFI	0.92	≥ 0.90	خوب
TLI (NNFI)	0.94	≥ 0.90	عالی
RMSEA	0.057	< 0.08	قابل قبول
SRMR	0.045	< 0.08	عالی
AGFI	0.90	≥ 0.85	قابل قبول
NFI	0.93	≥ 0.90	خوب
RFI	0.91	≥ 0.90	خوب
IFI	0.96	≥ 0.90	عالی

نمودار مدل ساختاری (مدل معادلات ساختاری کمی)

مدل SEM نهایی با نمایش مسیرها و ضریب هر مسیر در
SmartPLS/LISREL استخراج و در شکل زیر ارائه شده است:



شکل (۲) - نمودار معادلات ساختاری در حالت ضرایب استاندارد

بحث و نتیجه گیری

پاسخ به پرسش اول: ابعاد، مولفه ها و شاخص های الگو مشارکت شهروندان

پرسش اول پژوهش: «ابعاد، مولفه ها و شاخص های الگوی مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی کدامند؟

الف) بُعد ساختاری علی: چارچوب های کلان و محرک های اولیه این بُعد، پایه و بنیاد نهادی مشارکت را تشکیل می دهد. یافته ها نشان داد که مشارکت در ایران پیش از هر چیز متأثر از چارچوب های کلان حکمرانی است. این بُعد خود به چهار مؤلفه کلیدی تفکیک شد:

۱- مؤلفه عوامل علی: این مؤلفه شامل نیروهای محرکی است که ضرورت مشارکت را بر سیستم حکمرانی تحمیل می کنند. شاخص هایی چون «مطالبات اجتماعی» و «فشارهای اقتصادی» اجتماعی نشان دهنده آن هستند که مشارکت گاه نه یک انتخاب، بلکه یک پاسخ ضروری به فشارهای بیرونی از پایین جامعه است. این یافته با نظریه ذی نفعان (Friman, 1984)

هم خوانی کامل دارد که بر پاسخگویی نهادها به فشار گروه های مختلف تأکید می ورزد.

۲- مؤلفه عوامل زمینه ای: این مؤلفه به بسترهای عینی و زیرساختی اشاره دارد که امکان عمل را فراهم یا محدود می کند. شاخص «زیرساخت فناوری» و «دسترسی محدود» به وضوح نشان می دهد که در عصر دیجیتال، مشارکت نیز دیجیتالی شدن نابرابر را تجربه می کند. این امر شکاف دیجیتالی را نه فقط به عنوان یک مسئله فنی، بلکه به عنوان یک مانع ساختاری عدالت مشارکتی برجسته می سازد.

۳- مؤلفه بستر نهادی: قلب تپنده این بُعد، قوانین، مقررات و ساختارهای اداری حاکم است. شاخص هایی مانند «تمرکزگرایی اداری»، «تعارض قوانین» و «نظارت متمرکز»، تصویری از یک چارچوب نهادی پیچیده، چندلایه و گاه خودمتناقض ارائه می دهند. این مؤلفه تجلی عینی نظریه نهادگرایی (Nores, 1990) است که هزینه های مبادله ناشی از قواعد ناکارآمد را مانع اصلی همکاری می داند.

۴- مؤلفه اثرات تحریم ها: این مؤلفه، ویژگی متمایز الگوی ایرانی مشارکت است. تحریم ها در اینجا نه فقط یک عامل بیرونی، بلکه

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران | ۱۱۴

به یک متغیر ساختاری درون‌زا تبدیل شده‌اند. شاخص «محدودیت منابع سخت‌افزاری» وجه بازدارنده آن را نشان می‌دهد.

ب) بُعد تعاملی راهبردی: ابزارها، کانال‌ها و الگوهای عمل اگر بُعد اول «قواعد بازی» را تعیین می‌کند، این بُعد «ابزارهای بازی» را فراهم می‌آورد. یافته‌ها نشان داد که در ایران، مکانیسم‌های مشارکت در یک طیف دوگانه عمل می‌کنند:

۱- مؤلفه فرآیندهای تعاملی: این مؤلفه نمایانگر سازوکارهای نوین و عمدتاً دیجیتال ارتباط دولت □ ملت است. شاخص «پلتفرم‌های دیجیتال» و «سازوکارهای ترکیبی»، نشان‌دهنده تلاش سیستم برای همگام‌سازی با الگوهای جهانی حکمرانی دیجیتال (OECD, 2025) است. با این حال، شاخص «محدودیت دیجیتال» هشدار می‌دهد که این گذار ناقص و نامتوازن است.

ج) بُعد مداخله‌ای فرهنگی: جهان ذهنی کنشگران این بُعد به لایه پنهان ولی تعیین‌کننده مشارکت می‌پردازد: نگرش‌ها، باورها، ترس‌ها و امیدهای شهروندان و کارگزاران. یافته‌ها نشان داد که این بعد خود یک پارادوکس درونی را دربرمی‌گیرد:

۱- مؤلفه عوامل مداخله‌ای: این مؤلفه موانع عینی و ذهنی را نشان می‌دهد. شاخص «بی‌اعتمادی نهادی» و «موانع بوروکراتیک» ریشه در تجربیات تاریخی ناکامی مشارکت دارد. این امر با نظریه عمل منطقی (Ajzen, 1980) قابل تبیین است: اگر باور عمومی بر بی‌تأثیری مشارکت استقرار یابد، احتمال رفتار مشارکتی به شدت کاهش می‌یابد.

۲- مؤلفه عوامل فرهنگی دینی: در تقابلی جالب، این مؤلفه منابع قدرتمند تسهیل‌گر مشارکت را نشان می‌دهد. شاخص «انگیزه‌های دینی معنوی» و «نهادهای مذهبی محلی»، حاکی از وجود یک نظام معنایی دینی است که می‌تواند مشارکت را نه به عنوان یک تکلیف اداری، بلکه به مثابه یک فریضه اجتماعی اخلاقی بازتعریف کند. این یافته، بعد کم‌بررسی‌شده‌ای از سرمایه اجتماعی در جوامع مذهبی را روشن می‌سازد.

۳- مؤلفه عوامل روان‌شناختی: این مؤلفه بر ویژگی‌های فردی و جمعی تأکید دارد. شاخص «تاب‌آوری و انطباق» نشان می‌دهد که جدول (۹). رابطه بین مؤلفه‌ها و شاخصهای مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی

آزمون مدل معادلات ساختاری (PLS-SEM) نه تنها معناداری روابط فرضی را تأیید کرد، بلکه الگوی نظام‌مند، سلسله‌مراتبی و پویایی از تعاملات را آشکار ساخت که درک ما از مکانیسم عمل مشارکت در ایران را متحول می‌سازد. برخلاف مدل‌های خطی ساده، روابط کشف‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد مشارکت در حکمرانی ایرانی، یک سیستم چرخه‌ای با حلقه‌های بازخورد فعال است. در ادامه، این روابط در قالب پنج گزاره کلیدی تفسیر و تبیین می‌شوند.

جدول (۹). رابطه بین مؤلفه‌ها و شاخصهای مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی

رابطه (از ← به)	ضریب مسیر (β)	مقدار f ²	سطح تأثیر	R ² متغیر وابسته	توضیح
عوامل علی-ساختاری تدوین خط‌مشی عمومی	۰,۴۱	۰,۱۸	متوسط	۰,۴۶	تأثیر مثبت و معنادار؛ تبیین ۴۶٪ واریانس تدوین

تحلیل روابط ساختاری بین ابعاد موثر بر مشارکت شهروندان در فرآیند خط مشی گذاری عمومی در ایران | ۱۱۵

عوامل تعاملی-راهبردی اجرای خط‌مشی عمومی	۰,۵۲	۰,۲۷	قوی	۰,۵۱	قوی‌ترین اثر بیرونی؛ تبیین ۵۱٪ واریانس اجرا
عوامل مداخله‌ای-فرهنگی-روانی ارزیابی خط‌مشی عمومی	۰,۴۷	۰,۲۱	قوی	۰,۴۹	تأثیر مثبت و معنادار؛ تبیین ۴۹٪ واریانس ارزیابی
تدوین خط‌مشی عمومی اجرای خط‌مشی عمومی	۰,۳۳	۰,۱۴	متوسط	—	اثر مثبت؛ کیفیت تدوین بر انسجام اجرا مؤثر است
اجرای خط‌مشی عمومی ارزیابی خط‌مشی عمومی	۰,۳۸	۰,۱۷	متوسط رو به بالا	—	اجرای شفاف‌تر، ارزیابی دقیق‌تر را ممکن می‌سازد
تدوین خط‌مشی عمومی پیامدهای مشارکت	۰,۲۲	—	ضعیف تا متوسط	۰,۵۸	اثر غیرمستقیم مهم از طریق اجرا
اجرای خط‌مشی عمومی پیامدهای مشارکت	۰,۵۶	—	قوی‌ترین اثر	۰,۵۸	بیشترین نقش را در شکل‌گیری پیامدها دارد
پیامدهای مشارکت تدوین خط‌مشی عمومی	۰,۲۹	—	متوسط	—	نقش بازخوردی در چرخه سیاست‌گذاری
پیامدهای مشارکت اجرای خط‌مشی عمومی	۰,۲۶	—	متوسط	—	اثر بازخوردی بر اجرای سیاست‌های آینده
پیامدهای مشارکت ارزیابی خط‌مشی عمومی	۰,۳۴	—	متوسط رو به بالا	—	هسته اصلی ارزیابی سازنده
پیامدهای مشارکت راهبردهای بهبود خط‌مشی عمومی	۰,۴۴	۰,۱۹	متوسط	۰,۵۲	تبیین ۵۲٪ واریانس راهبردهای بهبود
راهبردهای بهبود خط‌مشی عمومی تدوین خط‌مشی عمومی	۰,۳۱	—	متوسط	—	تقویت تدوین سیاست‌های آینده
راهبردهای بهبود خط‌مشی عمومی اجرای خط‌مشی عمومی	۰,۲۸	—	متوسط	—	بهبود اجرای سیاست‌های آتی

جمع‌بندی نهایی روابط

تأکید ویژه بر مرحله اجرا و تضمین جریان بازخورد از نتایج به

بنابراین، روابط در الگوی مشارکت شهروندان، تصادفی یا پراکنده تصمیم‌گیری‌های آینده است.

نیست. این روابط از یک منطق سلسله‌مراتبی و پویا پیروی می‌کنند؛ عوامل کلان بستر را می‌سازند، عوامل میانی عمل را ممکن می‌کنند، و عوامل خرد کیفیت را تعیین می‌نمایند. در این میان، اجرا به عنوان موتور محرکه تحقق پیامدها عمل می‌کند و کل سیستم از طریق مکانیسم‌های بازخورد، واجد حافظه و قابلیت یادگیری است. این درک پویا، نشان می‌دهد که تقویت مشارکت نیازمند مداخله همزمان در چند جبهه (ساختار، ابزار، فرهنگ) با

نوآوری های اصلی پژوهش حاضر

این پژوهش با عبور از مرزهای دانش مرسوم در حوزه مشارکت شهروندی، و با اتکا به یک رویکرد روش شناختی قوی و زمینه مند، مجموعه ای از نوآوری های نظری، روشی و عملیاتی را ارائه می دهد که در ادامه به تفصیل تشریح می شوند.

۱. نوآوری نظری: ارائه یک چارچوب تلفیقی و پویا از مشارکت

این پژوهش برای نخستین بار، یک چارچوب سه لایه ای یکپارچه را طراحی و اعتبارسنجی کرده است که نشان می دهد مشارکت مؤثر، همزمان محصول تعامل است:

لایه کلان (چرایی و چارچوب): عوامل علی و ساختاری که ضرورت و امکان قانونی مشارکت را تعیین می کنند.

لایه میانی (چگونگی و ابزار): عوامل تعاملی و راهبردی که مکانیسم های عملی تعامل را فراهم می آورند.

لایه خرد (انگیزش و معنا): عوامل مداخله ای و روانی فرهنگی که سوخت رفتاری و پذیرش ذهنی مشارکت را تأمین می نمایند

۲. نوآوری مفهومی: بومی سازی مدل با ادغام «تأثیر تحریم ها» و «منابع فرهنگی دینی»

ادغام «تحریم ها» به عنوان یک متغیر ساختاری دوجبهی: برای نخستین بار، تحریم ها نه صرفاً به عنوان یک متغیر بیرونی مخرب، بلکه به عنوان یک عامل درونزای ساختاری با آثار دوگانه وارد مدل مشارکت شد. از یک سو، به عنوان یک محدودیت منابع بر زیرساخت های فنی و دسترسی به فناوری اثر می گذارد. تبدیل «فرهنگ دینی» از یک متغیر پس زمینه به یک متغیر پیش برنده فعال

۳. نوآوری عملیاتی: معرفی و اعتبارسنجی «سازوکارهای هیبریدی بومی»

این پژوهش، به جای پیشنهاد ساختارهای کاملاً جدید، بر شناسایی و تقویت سازوکارهای هیبریدی (ترکیبی) از پیش موجود اما کم تر مطالعه شده تأکید کرده است. این سازوکارها، با اتکا به اعتماد و شبکه های محلی، پلی بین منطق حکمرانی رسمی و جامعه ایجاد می کنند

پیشنهادهای کاربردی و اجرایی

پیشنهادهای مبتنی بر لایه کلان: عوامل علی و ساختاری

این لایه با ضریب تأثیر " ۰,۴۱ " بر تدوین خط مشی، سنگ بنای مشارکت است. پیشنهادهای این بخش معطوف به اصلاح چارچوب های کلان حکمرانی است.

۱. تدوین و ابلاغ «سند راهبردی ملی مشارکت شهروندی در حکمرانی»

۲. ایجاد «داده باز حکمرانی مشارکتی» و توسعه زیرساخت دیجیتال امن و بومی

۳. طراحی «نظام مدیریت هوشمند تحریم در حوزه حکمرانی»

پیشنهادهای مبتنی بر لایه میانی: عوامل تعاملی و راهبردی
با توجه به قوی ترین اثر بیرونی این لایه بر اجرا ($\beta=0.52$)، پیشنهادات این بخش بر تنوع بخشی و تقویت کانال های تعامل متمرکز است.

۴. راه اندازی «سامانه یکپارچه تعامل حکمرانی:

۵. نهادینه سازی و تسهیل «الگوهای هیبریدی مشارکت محلی»

۶. طراحی و ترویج «روش های ترکیبی خلاق مشارکت»

۷. اجرای «برنامه ملی تاب آوری و اعتماد اجتماعی»

۸. به کارگیری نظام مند «منابع معنایی و انگیزشی دینی» فرهنگی

۹. استقرار «نظام انگیزشی و تقدیر از مشارکت مولد»

پیشنهادهای کلان کشوری و نهادهای حاکمیتی

۱۰. تشکیل «شورای عالی مشارکت مردمی و حکمرانی شفاف» زیر نظر رئیس جمهور

۱۱. پیاده سازی «بودجه ریزی مشارکتی ملی» برای بخشی از بودجه عمومی

۱۲. تأسیس «آکادمی ملی حکمرانی مشارکتی و سرمایه اجتماعی»

۱۳. ایجاد «سامانه‌های پیش‌بینی خط‌مشی با مشارکت جمعی»

محدودیت‌های پژوهش

با وجود تلاش برای طراحی و اجرای پژوهشی نظام‌مند در حوزه مشارکت شهروندی در خط‌مشی‌گذاری، این مطالعه ناگزیر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که آگاهی از آن‌ها برای تفسیر درست یافته‌ها و هدایت تحقیقات آتی ضروری است. مهم‌ترین این محدودیت‌ها عبارتند از:

۱. محدودیت دسترسی به داده‌های باز دولتی
۲. محدودیت همکاری با مشاوران خارجی
۳. محدودیت دسترسی جغرافیایی
۴. محدودیت‌ها و پاسخ‌نواورانه ناشی از فشارهای خارجی
۵. محدودیت‌های تحریمی

۶. محدودیت در قلمرو مکانی و نهادی: این پژوهش با تمرکز بر دو نهاد شهرداری تهران و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شده است. اگرچه این انتخاب آگاهانه با هدف پوشش حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری شهری و اجتماعی صورت گرفت، اما ساختار سازمانی، فرهنگ اداری، و اولویت‌های سیاستی خاص این نهادها می‌تواند بر پاسخ‌های مشارکت‌جویانه تأثیر گذاشته باشد. بنابراین، تعمیم مستقیم الگوی نهایی به سایر وزارتخانه‌ها (نظیر صنعت، آموزش یا بهداشت)، نهاد‌های نظامی-امنیتی، یا استان‌های با بافت فرهنگی-اقتصادی متفاوت نیازمند مطالعات تکمیلی و احتیاط است.

۷. چالش دسترسی به جامعه آماری نخبگان خط‌مشی‌گذار: علیرغم پیگیری‌های مکرر، دسترسی کامل به طیف وسیعی از مدیران و کارشناسان ارشد مؤثر در فرآیندهای کلان خط‌مشی‌گذاری ملی میسر نشد. این امر عمدتاً به دلیل محدودیت‌های زمانی، حجم بالای مسئولیت‌های اجرایی، و ملاحظات اداری این گروه بود. در نتیجه، امکان داشت دیدگاه‌های برخی از حلقه‌های تأثیرگذار در زنجیره تدوین خط‌مشی (به‌ویژه در سطوح بسیار عالی) به اندازه کافی در نمونه بازنمایی نشود.

۸. ماهیت مقطعی و غیاب بررسی پویایی زمانی: جمع‌آوری داده‌ها در یک بازه زمانی مشخص صورت پذیرفت. از آنجا که متغیرهای کلیدی پژوهش (مانند اعتماد نهادی، رویکردهای تعاملی حکمرانان، یا تأثیر تحریم‌ها) پویا و متأثر از تحولات سیاسی-اقتصادی هستند، این مطالعه قادر به رصد تحولات بررسی روندها، یا سنجش تأثیرات بلندمدت یک سیاست خاص بر مشارکت نبود. یک رهیافت طولی می‌توانست روابط علی بین متغیرها را با دقت بیشتری واکاوی کند.

۹. محدودیت‌های روش‌شناختی و ابزار سنجش: در بخش کمی، اتکا به پرسشنامه خودگزارشی و مقیاس لیکرت همواره با احتمال بروز سوگیری‌های پاسخ‌دهی همراه است. به‌ویژه در سؤالات مرتبط با نقد ساختارها یا بیان موانع، ممکن است برخی پاسخ‌دهندگان به دلایل ملاحظات کاری یا تمایل به ارائه تصویر مطلوب، پاسخ‌های واقعی خود را تعدیل کرده باشند. در بخش کیفی، اگرچه از مصاحبه‌های عمیق و کدگذاری نظری استفاده شد، ذات تفسیری تحلیل کیفی و پیش‌دانسته‌های محقق به عنوان ابزار جمع‌آوری داده، می‌تواند بر فرآیند کشف مفاهیم تأثیرگذار باشد.

۱۰. تمرکز غالب بر سطح کلان و میانی فرآیند: اگرچه مدل نهایی سه‌لایه‌ای، لایه روانی-فرهنگی را نیز پوشش می‌دهد، اما وزن پژوهشی بیشتر بر عوامل ساختاری، نهادی و راهبردی معطوف بود. این امر موجب شد تا بررسی عمیق و مجزای متغیرهای خرد فردی مؤثر بر تمایل به مشارکت (مانند ویژگی‌های شخصیتی، احساس کارآمدی سیاسی شخصی، یا سواد سیاسی شهروندان) در این چارچوب جایگاه کم‌رنگ‌تری داشته باشد.

۱۱. عدم پوشش مستقیم برخی سازوکارهای نوین و غیررسمی: با وجود اشاره به نقش فناوری و بسترهای جدید، این پژوهش نقش خاص و رو به رشد پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی مجازی را در شکل‌دهی، بسیج و هدایت مشارکت شهروندی حول خط‌مشی‌های خاص، و نیز اشکال کاملاً غیررسمی، خودجوش و افقی مشارکت که خارج از کانال‌های تعریف‌شده نهادی رخ می‌دهد، به صورت مستقیم و تفصیلی مورد مطالعه قرار نداد.

خلاصه و چشم‌انداز: اعتراف به این محدودیت‌ها نه تنها از اعتبار علمی پژوهش نمی‌کاهد، بلکه صداقت و عینیت علمی آن را نشان می‌دهد. این محدودیت‌ها به‌طور طبیعی چارچوبی ارزشمند برای مطالعات آینده ترسیم می‌کنند، از جمله: تکرار پژوهش در سایر عرصه‌های خط‌مشی‌گذاری، انجام مطالعات طولی، طراحی ابزارهای ترکیبی برای کاهش سوگیری پاسخ، و کانونی کردن تحقیقات آتی بر نقش فناوری‌های نوین ارتباطی و سازوکارهای مشارکت غیررسمی در الگوی کلی حکمرانی

نتیجه‌گیری نهایی

این پژوهش با هدف طراحی الگویی جامع و بومی برای تبیین مشارکت شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران، با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) و با

مشارکت ۱۷ خبره در بخش کیفی و ۳۲۲ مدیر و کارشناس در بخش کمی، به نتایج متقن و کاربردی پذیری دست یافت. الگوی نهایی ارائه شده، چارچوبی پویا، چندلایه و سیستمی را معرفی می کند که مشارکت را نه به عنوان یک ابزار ساده و خطی، بلکه به مثابه یک اکوسیستم پیچیده تعاملی با ظرفیت یادگیری و خوداصلاح گری فهم می کند. نتایج تحلیل کمی نشان داد که آزمون مدل معادلات ساختاری (PLS-SEM) نه تنها معناداری روابط فرضی را تأیید کرد، بلکه الگوی نظام مند، سلسله مراتبی و پویایی از تعاملات را آشکار ساخت که درک ما از مکانیسم عمل مشارکت در ایران را متحول می سازد. برخلاف مدل های خطی ساده، روابط کشف شده در این پژوهش نشان می دهد مشارکت در حکمرانی ایرانی، یک سیستم چرخه ای با حلقه های بازخورد فعال است. روابط در قالب پنج گزاره کلیدی تفسیر و تبیین می شوند. اصل تخصیص تأثیر شامل لایه بندی هوشمند عوامل در مراحل خط مشی:

عوامل علی و ساختاری تأثیر بر تدوین ($\beta=0.41$, $f^2=0.18$): این رابطه (با سطح اثر متوسط) نشان می دهد که چارچوب های کلان حکمرانی، پیش شرط ضروری طراحی سیاست های مشارکت پذیر است. قوانین شفاف، ساختارهای غیرمتمرکز و زیرساخت های مناسب (لایه ساختاری)، فضای لازم برای «مشارکت در اندیشه» را در مرحله تدوین فراهم می کنند

عوامل تعاملی و راهبردی تأثیر بر اجرا ($\beta=0.52$, $f^2=0.27$): قوی ترین رابطه بیرونی مدل به این مسیر تعلق دارد (اثر قوی): این بدان معناست که در بستر ایران، وجود ابزارها و مکانیسم های تعاملی کارآمد، پیش بین اصلی موفقیت در مرحله عمل است. صرف تصویب یک قانون مشارکتی (خروجی تدوین) ضامن اجرای آن نیست.

عوامل مداخله ای و روانی-فرهنگی تأثیر بر ارزیابی ($\beta=0.47$, $f^2=0.21$): این رابطه نیز دارای اثر قوی است و نشان می دهد که ارزیابی واقع بینانه و سازنده، بیش از هر چیز محصول فضای روانی-اجتماعی حاکم است.

اصل توالی و انسجام شامل زنجیره اثرگذاری مراحل خط مشی: تدوین تأثیر بر اجرا ($\beta=0.33$): کیفیت مشارکت در طراحی، سنگ بنای مشارکت در عمل است. یک سیاست ضعیف یا

غیرشفاف، حتی با بهترین ابزارهای اجرایی، محکوم به شکست یا تحریف است.

اجرا تأثیر بر ارزیابی ($\beta=0.38$): اجرا، داده های زنده و ملموس برای ارزیابی تولید می کند. اجرای شفاف و پاسخگو، شرط لازم برای ارزیابی دقیق و عادلانه است.

این زنجیره نشان می دهد که مشارکت باید مستمر و در سراسر چرخه جریان یابد و ضعف در هر حلقه، کل زنجیره را تضعیف می کند.

اصل محوریت عمل شامل نقش تعیین کننده اجرا در تحقق پیامدها:

اجرا تأثیر بر پیامدها ($\beta=0.56$): این قوی ترین رابطه در کل مدل است. معنای عمیق این ضریب آن است که در نظام حکمرانی ایران، مشارکت واقعی و تجربه شده شهروندان در عرصه عمل (اجرا) است که منجر به نتایج عینی مانند افزایش کارآمدی، بهبود کیفیت تصمیم گیری و تقویت سرمایه اجتماعی می شود

اصل یادگیری و بازخورد شامل گذار از خطی بودن به چرخه پویا: پیامدها تأثیر بر تدوین ($\beta=0.29$)، اجرا ($\beta=0.26$)، ارزیابی ($\beta=0.34$): این مسیرها نشان می دهند که تجربیات گذشته (چه موفق و چه ناموفق) به طور مستمر به درون چرخه خط مشی باز تزریق می شوند. یک تجربه موفق مشارکت، اعتماد و تمایل برای مشارکت در دور بعدی را افزایش می دهد (یادگیری مثبت). این مکانیسم، هسته اصلی شکل گیری سرمایه اجتماعی تکراری و یادگیری سازمانی در نظام حکمرانی است.

اصل بهبود مستمر از ارزیابی گذشته به راهبرد آینده:

نهایتاً، مدل نشان می دهد که سیستم مشارکت، ظرفیت تولید راهکار برای آینده را نیز دارد.

پیامدها تأثیر بر راهبردهای بهبود خط مشی عمومی ($\beta=0.44$): تحلیل پیامدهای مشارکت (شامل موفقیت ها و شکست ها)، ماده خام اصلی برای طراحی راهبردهای اصلاحی است. این رابطه نسبتاً قوی نشان می دهد که نظام تا حدی توانایی یادگیری و تنظیم مجدد خود را دارد.

راهبردهای بهبود تأثیر بر تدوین ($\beta=0.31$) و اجرا ($\beta=0.28$): راهبردهای استخراج شده، به نوبه خود یک حلقه بازخورد

نظام‌مند از این ظرفیت‌ها، راهکاری کم‌هزینه و اثرگذار برای نهادینه‌سازی مشارکت است.

۵- تحریم: تهدیدی که می‌تواند به فرصت نوآوری بومی بدل شود: یافته‌ها نشان داد تحریم‌ها در حوزه مشارکت، نقشی دوگانه ایفا می‌کنند: از سویی محدودکننده منابع و دسترسی به فناوری‌های روز هستند و از سوی دیگر، محرک توسعه راهکارهای جایگزین بومی، مهندسی معکوس و تقویت خوداتکایی فنی شده‌اند. این نگاه، لزوم سرمایه‌گذاری هدفمند بر «نوآوری الزامی» در حوزه فناوری‌های مشارکتی را برجسته می‌سازد.

برنامه‌ریزی شده ایجاد کرده و مستقیماً بر بهبود مراحل آینده تأثیر می‌گذارند.

یافته‌های کلیدی و دلالت‌های سیاستی:

۱- طبیعت چندلایه مشارکت در ایران: مشارکت شهروندان در ایران پدیده‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه حاصل تعامل پویای سه لایه به هم پیوسته است: لایه کلان (عوامل علی و ساختاری مانند قوانین و اثرات تحریم)، لایه میانی (عوامل تعاملی-راهبردی مانند پلتفرم‌های دیجیتال و الگوهای بومی محلی)، و لایه خرد (عوامل مداخله‌ای و روانی-فرهنگی مانند اعتماد، انگیزش‌های دینی و هویت اجتماعی). هر لایه نقش تخصصی در تقویت یک مرحله خاص از خط‌مشی دارد: ساختار بر تدوین، ابزار بر اجرا، و انگیزش بر ارزیابی اثر می‌گذارد. این درک، ضرورت مداخله همزمان در تمامی این جبهات را برای سیاست‌گذاران گوشزد می‌کند.

۲- نقش محوری و بی‌چون‌وچرای مرحله اجرا: قوی‌ترین رابطه در کل مدل، اثر اجرای خط‌مشی بر پیامدهای مشارکت ($\beta=0.56$) بود. این یافته حاکی از آن است که در بستر ایران، مشارکت واقعی و تجربه‌شده شهروندان در عرصه عمل، بیشترین تأثیر را در تولید نتایج ملموس (مانند افزایش کارآمدی و اعتماد) دارد. لذا، تمرکز سیاستی باید از تولید صرف قوانین مشارکت‌محور، به سمت تضمین اجرای شفاف، پاسخگو و کیفی آن قوانین و پروژه‌ها معطوف شود.

۳- گذار از خطی‌بودن به چرخه یادگیرنده: یکی از نوآوری‌های مدل، شناسایی حلقه‌های بازخورد قوی از پیامدها به مراحل قبل (تدوین، اجرا، ارزیابی) و نیز به راهبردهای بهبود بود. این یعنی موفقیت یا شکست هر تجربه مشارکتی، آینده مشارکت‌های بعدی را شکل می‌دهد. این نگاه پویا بر اهمیت «سرمایه‌گذاری بر موفقیت‌های کوچک و ملموس» به عنوان موتور محرک اعتماد و یادگیری جمعی تأکید می‌کند.

۴- ظرفیت‌های بومی کم‌بینه: راهکارهای هیبریدی و منابع معنوی: پژوهش به وضوح نشان داد که در کنار چالش‌ها (مانند تمرکزگرایی و بی‌اعتمادی)، ایران از سرمایه‌های بومی قدرتمندی برای مشارکت برخوردار است. الگوهای هیبریدی مانند «شورای مشورتی مسجد-شهرداری» و مفاهیمی مانند «نذر تخصص» و «مسئولیت‌پذیری جمعی دینی»، پلی بین نهادهای رسمی و جامعه محلی ایجاد کرده و مشارکت را در چارچوب معنایی آشنا و مقبول بازتعریف می‌کنند. بهره‌گیری

References

- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2023). New public participation systems in the digital age. (In Persian).
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2025). Exploring new frontiers of citizen participation in the policy cycle. OECD Publishing.
- Peters, B. G. (2018). Public policy-making: New approaches (M. Sarlak, Trans.). University of Tehran Press. (In Persian).
- Quick, K. S., & Bryson, J. M. (2024). Public participation in policy-making: A review of theories and practices post-pandemic. *Public Administration Review*, 84(3), 456–472.
- Rezai, R., Mohammadi, A., & Tabatabai, S. (2024). Identifying factors affecting public participation of citizens in the public policy-making process with an emphasis on indigenous models. *Biannual Journal of Governance and Public Administration*, 1(1), 123-150. (In Persian).
- Rezavi, S., Ahmadi, P., & Ghasemi, V. (2024). Measuring the impact of civic education on policy participation: A mixed-methods study in Iran's border provinces. *Iranian Journal of Social Development Studies*, 14(2), 45-67. (In Persian).
- Shafiei, S. (2024). Future scenarios of public participation in Iran's policy-making with a cultural-religious approach. *Iranian Journal of Futures Studies*, 9(3), 89-111. (In Persian).
- Sudirgo, A. (2023). The legitimacy crisis and accountability in new governance: The role of structured participation. *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 36(2), 345–362.
- Toggen, S., Fischer, M., & Leong, C. (2022). Citizen engagement in the policy advisory system: A comparative analysis. *Policy Sciences*, 55(2), 321–345.
- UNESCO. (2024). Cultural participation in urban policymaking: A global review of 50 metropolitan cities. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Wickurat, S., Schmidt, T., & Vogel, D. (2023). The anatomy of public policy: Goals, content, and effects in comparative perspective. *Policy Studies Journal*, 51(4), 891–910.
- Wilson, J. (2022). The citizen's voice: Public participation in the 21st century. Routledge.
- World Bank. (2022). World Development Report 2022: Citizen Participation and effective governance. World Bank Group. (In Persian).
- Yang, K., & Lin, W. (2024). Collaborative governance and policy legitimacy: The mediating role of citizen trust. *Administration & Society*, 56(2), 291–315.
- Akbari, A., & Hassanzadeh, M. (2023). The role of digital technologies in facilitating citizen participation in Iran: Opportunities and challenges. *Public Governance Research Journal*. (In Persian).
- Ashrafi, M., Noroozi, B., & Mirzaei, R. (2024). The model of public policy implementation based on dimensions of social responsibility in universities of medical sciences. *Iranian Journal of Medical Ethics and History*, 17(1), 1-15. (In Persian).
- Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216–224.
- Bank-e Markazi-ye Iran. (2023). Statistical Yearbook of Iran 2022. Vice Presidency for Strategic Planning and Supervision. (In Persian).
- Bovaird, T., & Loeffler, E. (2012). From engagement to co-production: The contribution of users and communities to outcomes and public value. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*. <https://doi.org/10.1007/s11266-012-9309-6>
- Brown, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
- Danishfard, K. (2022). Citizen participation and the legitimacy of public policies. *Majlis Research Center*.
- Fontana, G., & Chen, Y. (2024). Participation patterns in post-revolutionary contexts: A comparative study of Egypt and Tunisia. *Democratization*, 31(4), 812–830.
- Gil, J., Almeida, C., & Pinto, N. (2022). Revisiting Arnstein's ladder: Digital platforms and new forms of citizen control. *Policy & Internet*, 14(3), 567–585.
- Koo, J., Kim, S., & Park, H. (2023). Applying the theory of planned behavior to predict citizen engagement in public policy deliberation. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 33(1), 123–140.
- Kuzmanovic, M., Jovanovic, D., & Pavlovic, B. (2024). A systematic analysis of digital tools for citizen participation in policy-making across seven European countries. *Government Information Quarterly*, 41(2), 101872.
- Madani, M., Davari, A., & Karimi, S. (2024). Examining the evolution of healthy governance in the context of public policy-making: A grounded theory approach. *Public Management Studies*, 10(4), 1-30. (In Persian).
- Nouri, N., & Hosseini, H. (2024). Pathology of implementing innovation and technology ecosystem policies for the development of provincial investments. *Journal of Science and Technology Policy*, 7(1), 55-78. (In Persian).
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2020). Public Governance Assessment Framework 2019 (M. Rezaei, Trans.). Office of Economic Studies. (In Persian).

Structural Analysis of the Relationships Between Dimensions Affecting Citizen Participation in the Public Policy- Making Process in Iran

Aliasghar Ghalandari¹, Mohammad Mohammadi^{2*}, Mohammad Reza Rabieemandjin³

Abstract

Background and Objective: In recent decades, increasing social complexities and the need to enhance the efficiency and legitimacy of public policies have brought citizen participation to the forefront as a fundamental pillar of participatory governance. This research aimed to design and present a model for citizen participation in the public policy-making process.

Methodology: The study employed a mixed-methods approach. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 17 academic and executive experts, including senior managers from the Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare and faculty members in management, sociology, and public policy. Qualitative data were analyzed using Braun and Clarke's six-step thematic analysis, resulting in 212 initial codes and the extraction of organizing themes categorized into main dimensions, contextual factors, barriers and challenges, and strategic solutions. In the quantitative phase, based on the qualitative findings, a 61-item questionnaire was designed and distributed among 322 top, senior, and middle managers of the aforementioned Ministry.

Findings and Conclusion: The results of the quantitative analysis confirmed the good fit of the proposed model. According to the findings, (local solutions and institutions) and (interactive processes) have the most significant impact on citizen participation. Furthermore, citizen participation (with a coefficient of 0.38) led to outcomes such as increased public trust and reduced conflicts. The model suggests that citizen participation can be improved by reforming institutional mechanisms, developing interactive processes, strengthening local solutions, and considering contextual and psychological factors of participation.

Keywords: Participation.Citizen Participation, Public-Making

1. Department of Public Administration, Ki.C, Islamic Azad University, Kish, Iran

2*. Department of Public Administration, Ki.C, Islamic Azad University, Kish, Iran (Corresponding author)

3. Department of Public Administration, CT.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran